

پرسش از دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی

با «جامعه‌ی اطلاعاتی» ره به کجا می‌برید؟

مطلب به همین سادگی است:

اگر روزنامه‌نگاری، مترجمی یا دانشمندی، حب و بغض‌های متعصبانه را کنار بگذارد، هیچ‌گاه اصطلاح information society را «جامعه‌ی اطلاعاتی» ترجمه نمی‌کند و آن را در زبان فارسی، «جامعه‌ی اطلاعات» می‌گوید و می‌نویسد. اما هنگامی که تعصب «جامعه‌شناسی گرایبی»، تبعیت از استاد و حب «کستل‌نگری» در کار باشد، می‌توان با چرخش قلم و نتیجه‌گیری شتاب زده، غیر علمی و غیر منطقی، خلط مبحث کرد و گفت:

✦ «همان‌طور که غربی‌ها خودشان، (جامعه‌ی صنعتی یا) اینداستریال سوسایتی گفته‌اند و نمی‌گویند (جامعه‌ی صنعت یا) اینداستری سوسایتی، در مورد اطلاعات ۰۰۰ هم باید چنین باشد.»

✦ «آقای مانوئل کستل، با آن تسلطی که به جنبه‌های علمی مسأله دارد ۰۰۰ دقیقاً (جامعه اطلاعات یا) اینفورمیشن سوسایتی را به کار نمی‌برد بلکه در ترکیب‌های مختلفی، (جامعه‌ی اطلاعاتی یا) اینفورمیشنال سوسایتی و (اقتصاد اطلاعاتی یا) اینفورمیشنال اکونومی را به کار می‌برد.»

✦ (پس) «دیگر هیچ تردیدی نمی‌توان داشت که این ترجمه‌ی فارسی ما، یعنی «جامعه‌ی اطلاعاتی» درست است.»

(پایان نقل قول از مصاحبه‌ی خانم ناهید خیرابی با آقای کاظم معتمدنژاد، تحت عنوان «جامعه‌ی اطلاعاتی، تمهیدی برای عبور از بحران ادواری سرمایه‌داری»، منتشر شده در وبگاه mag.gooya.com)

۰۰۰ اگر خداوند کلمه را آفرید، انسان هم توجیه را خلق کرد: خلقتی، بدون خلقت!

سخن برسر این نیست که آیا غربی‌ها، در زبان‌های خودشان جامعه‌ی صنعتی می‌گویند یا جامعه‌ی صنعت! دست بر قضا آلمانی‌ها برعکس مطلب نقل قول شده در بالا، می‌گویند

«ایندوستری گزلفافت» که از لحاظ ساخت و اژگانی، ترکیبی اسمیست و نه صفتی. پس قواعد ساختوژی یک زبان، حجت برای زبان دیگر نیست. وانگهی بحث WSIS اصلاً زبان شناختی یا جامعه شناختی نیست که مدافعان «جامعه‌ی اطلاعاتی»، گاه دست به دامان زبان‌شناسی می‌شوند و گاهی هم از سر فراق زدگی، به کستلز و سایر جامعه‌شناسان غربی دست می‌یازند تا نتیجه بگیرند که «دیگر هیچ تردیدی نمی‌توان داشت که این ترجمه‌ی فارسی ما، یعنی «جامعه‌ی اطلاعاتی»، درست است.» پرسش ما این است که منظور شما چیست؟ آیا شما اصطلاحی را که در WSIS مطرح است درست ترجمه کرده‌اید؟ یا اصطلاحی دیگر را؟

اصلاً خود این پرسش که تاکنون چندین بار برای استادان علامه طباطبایی مطرح شده است غلط است که:

«جامعه‌ی اطلاعاتی» درست تر است یا «جامعه‌ی اطلاعات»؟ - چرا که:

اگر در هر زبانی تنها یکی از ساخت‌های «جامعه‌ی صنعت» یا «جامعه‌ی صنعتی»، رایج است و نه هر دوی آن‌ها، در مورد جامعه‌ی اطلاعات و جامعه‌ی اطلاعاتی، هر دو ساخت در زبان فارسی، انگلیسی، آلمانی و ... وجود دارد و هر یک در جای درست خود با معناست و درست. از این رو، پاسخی که باید به پرسش‌هایی از این دست داد این است که:

✦ هر دو اصطلاح «جامعه‌ی اطلاعاتی» و «جامعه‌ی اطلاعات» صحیح‌اند اگر هر یک از آن‌ها در بافت (context) مربوط به خود، صحیح به کار روند.

پس از لحاظ «برون‌متنی» تنها می‌توان گفت که در متون مبداء، هر دوی این اصطلاح‌ها وجود دارند و به کار می‌روند اما از لحاظ «درون‌متنی»، هر یک، در چارچوب و قالب خودش به کار می‌رود.

و اگر متن و بافت، عوض شود نباید به صورت جزمی و خشک اندیشانه به یک اصطلاح چسبید و در هر بافتی از همان یک اصطلاح استفاده کرد بلکه باید به مقتضای بافت و متن موردنظر، یکی از این دو اصطلاح را ترجیح داد و به کاربرد، کاری که خود کستلز نیز می‌کند اما مدافعان «جامعه‌ی اطلاعاتی» بدون در نظر گرفتن بافت متنی و گفتمان مرتبط، معمولاً در پاسخ خود به پرسش مزبور، تنها متون جامعه‌شناختی بخصوصی را به رخ می‌کشند که در آن‌ها ساخت و اژگانی «جامعه‌ی اطلاعاتی» ترجیح داده شده است و این یعنی تعصب!

آری، مانوئل کستلز، در چارچوب جامعه‌شناختی خود، همچون اولریش بک (Ulrich Beck) و آنتونی گیدنز (Antony Giddens) و سایرین ... در دهه‌ی هفتاد سده‌ی بیستم، گونه‌ی پسامدرن جامعه‌ی سرمایه‌داری را، «جامعه‌ی اطلاعاتی» خوانده ولی کستلز در کتاب سه جلدی

«عصر اطلاعات» خود، ترجیح داد «عصر» را دیگر «اطلاعاتی» بخواند چون به قول وی، «عصر اطلاعات»، در دهه‌ی ۹۰ بهتر از «عصر اطلاعاتی» فهمیده می‌شد از این رو عنوان کتاب را عصر اطلاعات گذاشت. اما در درون کتاب و در لابه‌لای متن تحلیلی و جامعه‌شناختی خویش، هرکجا که ضروری بود «جامعه‌ی اطلاعاتی» را برگزید تا به زعم خود، به مطلب و گونه‌ی معینی از جوامع اشاره کرده باشد و نه به هر جامعه‌ای. کستلز معتقد است اصطلاح جامعه‌ی اطلاعات، غلط نیست بلکه چون به هر جامعه‌ای قابل اطلاق است پس مطلب مورد نظر او را که تنها در برگیرنده‌ی جوامع پسا صنعتی و پسامدرن غربی است نمی‌رساند. اما آیا WSIS از «جامعه‌ی اطلاعات» به صورت عام استفاده می‌کند؟ بدیهی است که پاسخ منفی است. WSIS به صورت خاص از جامعه‌ی اطلاعات یاد می‌کند و دقیقاً به عنوان یک پروژه‌ی جهانی. به همین خاطر WSIS، اجلاسی صرفاً علمی نبوده و نیست که تنها مختص جامعه‌شناسانی چون دکتر کاظم معتمدنژاد، آنتونی گیدنز، مانوئل کستلز، و هم‌تایان‌شان باشد.

آیا در مورد پروژه‌ی WSIS هم هنوز باید به دانیل بل و مانوئل کستلز وفادار بود؟ - بدیهی است که خیر! نه متولیان و مجریان WSIS، یعنی کوفی عنان و یوشیو اوتسومی، و نه هزاران معماری که پرداختن به پروژه‌ی «جامعه‌ی اطلاعات» فرآگیر، هدف آن‌هاست هیچ‌گاه موضوع را تنها به علم جامعه‌شناسی، محدود نکرده اند یا ارجاع نداده‌اند و منظورشان از برپایی WSIS، ارائه‌ی تحلیلی جامعه‌شناختی از بحران‌های ادواری سرمایه‌داری و تمهید اندیشی برای عبور از این بحران‌ها نبوده و نیست، بلکه هدف آن‌ها، برنامه‌ریزی هماهنگ در سراسر جهان برای پلزدن بر گودال دیجیتالی در درون هر جماعت و میان کشورها و تأمین جریان آزاد اطلاعات برای کاستن از فقر در جوامعی است که چه بسا در مرحله‌ی پیشامدرن و پیشاصنعتی به سر می‌برند و اگر آن‌ها را به حال خود واگذارند تا آن‌ها هم روزی - روزگاری به خودی خود به همان مرحله‌ی پسا صنعتی و پسامدرنی وارد شوند که ایالات متحده در دهه‌ی ۶۰ و هفتاد سده‌ی بیستم به آن وارد شد، شاید هیچ‌گاه همچو ورود و گذری برای اغلب آن‌ها رخ ننماید و اتفاق نیفتد اما با برنامه‌ریزی، اجماع جهانی و اراده‌ی دولت‌ها و جوامع مدنی باید بتوان توانایی‌های نهفته در فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را به خدمت گرفت و با اطلاعاتی‌سازی (informatization) تدریجی بخش‌های اجتماع و جماعات محلی و بومی و با تأمین ارتباطات و دسترسی عام به منابع اطلاعات، در هر برنامه‌ی توسعه، از شمار فقرا کاست و نابرابری‌های ارتباطی را برطرف کرد.

- بگذریم و بپردازیم به جان کلام:

«جامعه‌ي اطلاعاتي» در اصل، يك مقوله‌ي علمي - جامعه‌شناختي عام است ولي «جامعه‌ي اطلاعات» در WSIS اصطلاح خاصي است كه به پروژه‌هاي جهاني و برنامه‌اي عملي اشاره دارد. پس برخلاف عقیده‌ي برخي از مديران ايسنا، اين دو اصطلاح، نام‌هايي براي يك فرزند نيستند و تابلوهائي براي نام‌گذاري يك خيابان هم نيستند بلكه ۰۰۰ هر سخن جايي و هر نکته مكاني دارد!

جايگاه جامعه‌ي اطلاعاتي، علم جامعه‌شناسي جوامع پسا صنعتي است و جايگاه جامعه‌ي اطلاعات، برنامه‌ريزي و تدوين راهبرد توسعه، مهندسي اجتماعي و سياست‌گذاري براي هر کشور، به ویژه کشورهايي است كه هنوز در مراحل پيشاصنعتي خود به سر مي‌برند. از اين رو، دبیرخانه شوراي عالي اطلاع‌رسانی و به ویژه سازمان مديریت و برنامه‌ريزي کشور نبايد تحليل‌هاي برخي از استادان علامه طباطبائي را درست بپذيرد و در هر اجلاس، برنامه و طرحي كه مربوط به جامعه‌ي اطلاعات و WSIS است از آن‌ها بدون سنجش گري هاي لازم استفاده كنند و گرنه: راه به جايي نخواهيم برد و درجا خواهيم زد.